

تعلیم معارف دینی بر پایه خودشناسی وجدانی

فاطمه سلیمیان ریزی

چکیده

تعلیم معارف دینی از مسایل ضروری و مهم در جامعه اسلامی است. تعلیم صحیح دین نیازمند روش مناسب، کارآمد و با اثربخشی پایدار است. در روشهای رایج تعلیم معارف دینی، غالباً به انتقال مفاهیم پرداخته شده و در این داد و ستد مفاهیم پا از حیطه ذهن فراتر گذاشته نمی‌شود و کمتر به ارتباط با خود واقعیت و دریافتن آن توجه می‌شود. به دلیل ضعف‌ها و نقایصی که این رویکرد به دنبال دارد نیاز به روشی جهت تکمیل نقایص موجود احساس می‌شود. بر این اساس هدف این پژوهش بیان الگوی تعلیم خودشناسی وجدانی و بیان فواید و ضرورت‌های آن و نحوه تعلیم معارف دینی بر پایه آن است. از طرف دیگر بر اساس آموزه «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، خودشناسی که از اساسی‌ترین شناخت‌ها است می‌تواند مقدمه دستیابی به سایر معارف دینی قرار گیرد. وجدان به عنوان ادراکات یا شناخته‌های غیراستدلالی و غیراکتسابی می‌تواند انسان را در رسیدن به خودشناسی مطمئن یاری دهد. بر پایه این خودشناسی وجدانی، تعلیم معارف دینی از جمله خداشناسی، معاد، امام‌شناسی و اخلاق انجام می‌گیرد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مشاهده‌ای انجام شده است.

Abstract

Teaching religious knowledge is one of the most important and necessary issues in Islamic society. Correct teaching of religion requires a proper, efficient and sustainable method. In the current methods of religious teachings, most often it is dealt with the transition of the concepts and in this exchange, the relationship with the reality itself and its recognition are overlooked and it does not go far from the domain of memory, communicating with reality itself and its recognition. Due to the weaknesses and shortcomings of this approach, there is a need for a method to complete existing deficiencies. Accordingly, the purpose of this study is to express the self-education model of conscientiousness and to express its benefits and necessities and the way of teaching religious knowledge based on it. On the other hand, according to the doctrine of "One who knows himself, knows God", self-knowledge, which is one of the most basic cognitions, can be the preliminary to achieve other religious teachings. Conscience as the phenomenon perceived or non-deductive cognition can help man to reach a reliable self-consciousness. Based on this self-consciousness of conscience, the teaching of religious education, including theology, resurrection, Imamology, and ethics can be done. This research has been done by descriptive-analytic method and its data collection has been carried out in a library and observational way.

Keywords: Teaching religious education, conscience affairs, self-knowledge conscientious, self-knowledge.

الملخص

إنّ تعليم المعارف والعلوم الدينية من المسائل المهمّة في المجتمع الإسلامي، هذا بينما أنّ التعليم الصحيح للدين يحتاج إلى منهج مناسب ومؤثّر. ومن الملاحظ أنّ الطرق الشائعة في تعليم العلوم الدينية تعتمد عادة على نقل المفاهيم بشكل نظري وتهتمّ بفهمها اهتماماً طفيفاً. بما أنّ هذا الاتجاه يحمل سلبيات ونقائص عديدة فنحن بحاجة إلى طريق يتناول هذه النقائص ويرفعها.

تأسيساً على هذا، يسعى هذا البحث من خلال المنهج الوصفي والتحليلي، أن يكشف اللثام عن طريق لتعليم معرفة الذات وأن يبيّن فوائد هذا الطريق وكذلك كيفية تعليم المعارف الدينية. زد على ذلك، أنّ معرفة الذات - بالاعتماد على القول المعروف "من عرف نفسه فقد عرف ربه" - يمكن أن تكون مقدّمة للحصول على سائر المعارف الدينية. فإنّ الضمير البشري كمبعث المعارف الفطرية غير المكتسبة يمكن أن يساعد الإنسان على الوصول إلى معرفة الذات، كما أن معرفة الذات تفسح المجال لتعليم المعارف الدينية الأخرى وخاصة معرفة الله والمعاد ومعرفة الإمام والأخلاق.

الكلمات المفتاحية: تعليم المعارف الدينية، الوجدانيات، معرفة الذات، معرفة النفس

كليد واژه‌ها: تعليم معارف دينی، امور وجداني، خودشناسی وجداني، معرفت نفس